

به نام خدا

فهرست مطالب

۱ مقدمه
۴ انگیزه‌های تدوین حقوق بشر از دیدگاه غرب
۷ انگیزه‌های وضع حقوق بشر در اسلام
۹ قضایای ارزشی اعلامیه غربی حقوق بشر
۱۷ مشترکات حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب
۱۸ بررسی اجمالی مشترکات و تفاوت‌ها
۲۲ نتیجه‌گیری
۲۴ پیوست
۲۴ ترجمه اعلامیه حقوق بشر اسلامی
۳۶ متن اصلی اعلامیه حقوق بشر اسلامی
۴۷ منابع و مأخذ

مقایسه اعلامیه حقوق بشر اسلامی و

اعلامیه حقوق بشر غرب

(از منظر پدر حقوق بشر اسلامی علامه آیت‌الله محمد تقی جعفری (ره))

(به ضمیمه متن اصلی اعلامیه حقوق بشر اسلامی و ترجمه آن)

کد موضوعی: ۲۴۰

شماره مسلسل: ۱۰۹۱۱

مردادماه ۱۳۹۰

دفتر: مطالعات حقوقی



مقایسه اعلامیه حقوق بشر اسلامی و اعلامیه حقوق بشر غرب

(از منظر پدر حقوق بشر اسلامی علامه آیت‌الله محمد تقی جعفری (ره))

(به ضمیمه متن اصلی اعلامیه حقوق بشر اسلامی و ترجمه آن)

مقدمه

۱۴ مرداد سالروز حقوق بشر اسلامی است و هرچند بسیار از حقوق بشر و اعلامیه جهانی آن شنیده‌ایم اما تفسیر اسلامی آن براساس پدر حقوق بشر اسلامی علامه جعفری رضوان‌الله علیه جلوه‌ای تازه و بی‌بدیل دارد به‌گونه‌ای که آثار حقوقی این تفسیر در اسناد حقوقی پسینی که مبتنی بر اعلامیه حقوق بشر غربی هستند و همچون سند دیوان کیفری بین‌المللی اعدام را نسبت به جانباختگان علیه بشریت و نسل‌کشی نیز خلاف حقوق بشر می‌دانند بروز و ظهور جدی می‌نماید.

به راستی آیا انسان را فردی که دارای کرامت ذاتی است و با حکمت بالغه خداوندی به‌وجود آمده، هدف حیات او نیز خیر و کمال است و هرکس به وی اهانت کند و حقوق او را نادیده بگیرد، با مشیت خداوندی مبارزه کرده است در نظر می‌گیرند، یا انسان را به‌عنوان گرگ انسان تفسیر می‌کنند؟!

علامه جعفری رضوان‌الله‌علیه معتقد است که هنگامی می‌توانیم از اعلامیه حقوق جهانی بشر سخن به میان آوریم که انسان را در حوزه ارزش‌ها تفسیر کنیم. کسانی که از اعلامیه جهانی بشر سخن به میان می‌آورند، در ابتدا باید مشخص کنند که آیا مرادشان از انسان، همان موجودی است که پیامبران سیمای او را ترسیم کرده‌اند؟

یعنی فردی که دارای کرامت ذاتی است و با حکمت بالغه خداوندی به‌وجود آمده، هدف حیات او نیز خیر و کمال است و هرکس به وی اهانت کند و حقوق او را نادیده بگیرد، با مشیت خداوندی مبارزه کرده است، یا انسان را به‌عنوان گرگ انسان تفسیر می‌کنند و هیچ حقیقت‌ارزشی در وجود او سراغ ندارند. مبنای حقوق بشر باید کرامت ذاتی انسان باشد و فلسفه‌هایی که در غرب پیدا شده‌اند، نظیر فلسفه نیچه و طرفداران اصالت قدرت، هیچ یک این مبنا را مطرح نکرده‌اند.

حقوق جهانی بشر نیز برای آنکه به یک فرهنگ جهانی تبدیل شود، باید شرافت و کرامت ذاتی انسان را اثبات کنند تا مجالی برای ظهور تفکرات ماکیاوولی، اصالت نفع و اصالت قدرت پیدا نشود. مبنای حقوق بشر از دیدگاه غرب، همزیستی مسالمت‌آمیز همراه با صلح و آزادی و عدالت در جوامع بشری است.

این مبنا مهم است، ولی نمی‌تواند زیربنایی به‌وجود آورد که همه افراد خود را اعضای خانواده‌ای واحد بدانند. برای تحقق چنین هدفی باید مبنای عالی‌تری – که از دیدگاه اسلام خداست – مطرح شود.

بدیهی است در این میان مقایسه حقوق بشر غرب با حقوق بشر اسلام از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است و عنایت به فرمایشات حضرت امام (ره) در این زمینه برای تأیید این مطلب کافی است.

امام (ره) تأکید می‌فرمودند که توطئه زیر پوشش «حقوق بشر است» و مدعیان حقوق بشر قلم را برداشتند و همین‌طور دارند چیز می‌نویسند، به‌عنوان «حقوق بشر»! اشخاصی هستند که می‌خواهند حقوق بشر پایمال بشود؛ نه اینکه می‌خواهند حقوق بشر را استفاده کنند و بگویند حقوق بشر... اینها ما را بشر – مثل اینکه – نمی‌دانند و



نیز مقام معظم رهبری مکرراً در این خصوص تذکر فرموده‌اند:

«حقوق بشر به سبکی که اسلام مطرح می‌کند... پیشرفته‌تر است... به این تبلیغات و رادیوها و مجلاتی که پول می‌گیرند و چیزی می‌گویند و می‌نویسند و دائماً واژه ارتجاع را تکرار می‌کنند، نگاه نکنید؛ اینها قابل ذکر و توجه نیستند»^۱ «... حقوق بشر، یک حقه است. آمریکا و بسیاری از قدرت‌های بزرگ، اصلاً به حقوق بشر اعتقاد ندارند؛ دروغ می‌گویند. طرح مسئله حقوق بشر، برای فریب و وسیله فشار است؛ برای این است که اگر خواستند دولتی را زیر فشار افکار عمومی قرار بدهند، با تهمت نقض حقوق بشر زیر فشار قرار بدهند...»^۲ و نیز «ما به ادعاهای طرفداری از حقوق بشر، که امروز از طرف دولت‌ها و سازمان‌های وابسته به ابرقدرت‌ها در دنیا اعلام می‌شود، کوچک‌ترین اعتقادی نداریم. ما اینها را فریب و خدعه و دروغ می‌دانیم».^۳

آیت‌الله جوادی آملی نیز مزایای نظام حقوق بشر اسلام را در پنج محور ذیل می‌داند:

یکم - برتری زیرسازهای داخلی، فاعلی و غایی

دوم - برهان‌پذیری

سوم - برخورداری از ضمانت اجراهای ویژه

چهارم - سازگاری و هماهنگی با وضعیت‌های مختلف انسان

پنجم - دارای ابزار سنجش

علامه جعفری (ره) بر این باورند که حقوق بشری که در اسلام مطرح شده، مبنای

۱. بیانات در دیدار با مدیران ستاد فرماندهی کل قوا، ۱۳۶۸/۱۲/۲۱.

۲. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضا (ع)، ۱۳۶۹/۱/۲.

۳. سخنرانی در مراسم بیعت خانواده‌های شهدای هفتم تیر، اعضای شورای عالی قضایی، قضات و مسئولان دادگستری و جمعی از مردم لرستان، ۱۳۶۸/۴/۷.

دینی دارد و این مبنا موجب شده تا این نظام حقوقی از چند ویژگی برخوردار شود:

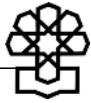
۱. این نظام حقوقی متکی به اراده خداست. یعنی خداوند همه این حقوق و تکالیف را برای بندگانش مقرر فرموده است. با پذیرش این اصل، هر انسان آگاهی، نه تنها تکالیف خود را با اخلاص و صمیمیت و بدون سوداگری و لذت‌پرستی انجام خواهد داد، بلکه عمل به تکالیف را نیز وسیله‌ای جهت رشد و تکامل خود تلقی خواهد کرد.
۲. عامل اجرای نظام حقوق اسلامی، شخصیت کمال‌طلب خود انسان است.
۳. چون مبنای اسلام، دین فطری حضرت ابراهیم (ع) است و همه ادیان آسمانی، خود را وابسته به آن می‌دانند، جهانی بودن تکالیف و حقوق بشر را بهتر می‌توان اثبات کرد.

براین اساس و برای شناخت بیشتر موضوع و به مناسبت سالروز حقوق بشر اسلامی، مقایسه اعلامیه حقوق بشر اسلامی و اعلامیه حقوق بشر غرب را از منظر پدر حقوق بشر اسلامی علامه آیت‌الله محمدتقی جعفری (ره) تقدیم می‌نماییم و گاه برای تکمیل برخی موضوعات در پاورقی از آموزه‌های سلسله مباحث آیت‌الله جوادی آملی نیز بهره می‌جوییم.

انگیزه‌های تدوین حقوق بشر از دیدگاه غرب

شش انگیزه برای تدوین حقوق بشر مطرح شده که برخی از آنها قابل نقد و بررسی است:

۱. در اعلامیه غربی حقوق بشر، شناسایی ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان، اساس آزادی و صلح تلقی شده است. اشکال وارد



بر این مطلب، این است که تا حیثیت ذاتی یا ارزش ذاتی انسان به اثبات نرسد، نمی‌توان چنین چیزی را مطرح کرد. در این اعلامیه، همه انسان‌ها با همه اختلافاتی که در ملیت‌ها، قومیت‌ها، فرهنگ‌ها، خصوصیات و امتیازات مختلف دارند، یکسان تلقی شده‌اند و از همه آنها خواسته شده تا از همه اختلاف‌ها و امتیازات خود دست بردارند، اما آیا برای تحقق این موضوع باید آنها را مجبور کرد که این فرمان را بپذیرند یا باید ضرورت و ارزش این حقوق و امثال آن را برای انسان‌ها مطرح کرد؟! در واقع، تا زمانی که به انسان‌ها تفهیم نشود که در کنار حقوق تأمین‌کننده همزیستی طبیعی انسان‌ها، حقوقی هم برای جان‌های آنها وجود دارد، حقوق بشر تحقق پیدا نخواهد کرد.

۲. در اعلامیه غربی حقوق بشر، اصطلاح اعضای خانواده بشری مطرح شده که بسیار مهم است. مسئله مهمتر، تحقق این امر است که چرا در طول تاریخ بشری، به استثنای مواردی محدود، انسان‌ها این وحدت را عینیت نبخشیده‌اند؟ پاسخ مختصر این است که: بشر در طول تاریخ خود، کمتر پایبند به ارزش‌های متعالی بوده است. اسلام با نظر به اثبات این حقیقت که «همگان مانند افراد عائله خداوندی می‌باشند»، بر روحیه برادری و عضویت خانواده واحد و اینکه انسان‌ها همگی استعدادی از خورشید روح الهی هستند، تأکید کرده است.

۳. در این اعلامیه، به مفاهیمی چون «حیثیت ذاتی انسان‌ها» و «اعضای خانواده بشری» اشاره شده است. این مفاهیم هنگامی معنا پیدا می‌کنند که شایستگی انسان‌ها برای محبت به یکدیگر مطرح شود. تا احترام ذاتی انسان برای انسان‌ها ثابت نشود و انسان‌ها نتوانند خود را دوست بدارند، هیچ‌گاه نمی‌توانند دیگران را دوست داشته باشند.

به‌طور کلی، نخست باید احترام ذات انسان به یک یک انسان‌ها ثابت شود که هر کسی بتواند واقعاً خود را دوست بدارد. یعنی از پذیرش احترام ذات، به محبوبیت انسان برای اینکه انسان است، پیشرفت نماید و آن گاه با درک اشتراک و وحدت همگان در آن ذات انسانی که به جهت وابستگی به کمال مطلق الهی محترم است، محبت به دیگران را اصالتاً، نه از روی احساس خام و زودگذر و نه از روی سوداگری، بپذیرد.

۴. تا انسان‌ها به کنترل حیات طبیعی محض و خودخواهی‌های خود نپردازند، تحقق حقوق جهانی بشر میسر نخواهد بود. انسان‌ها باید دریابند که تعدیل خردمندانه امیال و خواسته‌ها که مورد توجه ادیان و حکما و علمای اخلاق قرار گرفته، افسانه‌ای بی‌اساس نیست. وضع و تنظیم چنین حقوق‌های آرمانی برای انسان‌هایی که مغز و روان آنان را فقط مدیریت حیات طبیعی محض و گسترش در ابعاد آن توجیه می‌نماید، شبیه به ساختن کاخی بسیار باشکوه و مجلل در روی قله‌های کوه‌های آتشفشان است.

۵. در بحث از علت و انگیزه حقوق بشر، آزادی عقیده و از میان رفتن فقر و ترس، بالاترین آمال بشر تلقی شده است، درحالی که این امور وسیله هستند نه هدف. جنبه وسیله‌ای بودن آزادی‌ها، منطقی‌تر از جنبه هدفی بودن آنهاست. ترس و فقر نیز از عوامل مخل ادامه حیات انسان‌ها هستند که اگر از میان بروند - در واقع - موانع حیات انسان‌ها از میان برداشته می‌شود. بنابراین، این دو عامل نیز موانع حیات هستند، نه هدف اعلای آن.

۶. در این اعلامیه، دول عضو متعهد شده‌اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را با همکاری سازمان ملل تأمین کنند.



اگر بگوییم: «با ارزش‌ترین و سازنده‌ترین تعهدی که دولت‌ها می‌توانند ببندند، تعهد برای تأمین احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است»، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. نهایت امر، باید دو مسئله را مراعات نمود:

الف) آماده کردن عوامل پذیرش حقوق جهانی بشر با قابل هضم ساختن حیثیت و شرف ذاتی انسان.

ب) جریان‌های سیاسی و شخصی و فرهنگی است که برای هر یک از دولت‌های عضو وجود دارد و اختلاف و گاهی تضاد آن جریان‌ها، سبب اختلاف و تضاد دیدگاه متصدیان دولت‌ها درباره طبیعت و بایستگی‌ها و شایستگی‌های انسانی می‌شود.

بنابراین، بار دیگر بر نیاز شدید به تفاهم در اصول ارزش‌ها و حیثیت ذاتی انسانی اصرار می‌ورزیم.

با توجه به سرگذشت بشر، نتیجه مهمی که از مجموعه علل و انگیزه‌ها در مقدمه اعلامیه غربی حقوق بشر می‌توان گرفت، به طور خلاصه چنین است: «بدون آشنایی انسان‌ها با جان‌های یکدیگر، محال است حسن تفاهم مشترک واقعی میان آنها برقرار شود».

انگیزه‌های وضع حقوق بشر در اسلام

اسلام در ارائه حقوق بشر، مبانی خاص خود را دارد که با مبانی حقوق جهانی بشر تفاوت‌های بسیار دارد و براساس همین مبانی است که انگیزه‌های تدوین حقوق بشر از دیدگاه اسلام با غرب تفاوت‌های اساسی دارد. برخی از این انگیزه‌ها عبارت است از:

۱. اسلام، حیات و مرگ یک انسان را مساوی با حیات و مرگ همه انسان‌ها می‌داند.

یعنی انسان‌ها را از منطقه کمیت‌ها بالا می‌برد و در حوزه کیفیت‌ها مطرح می‌سازد.^۱

۲. ارزش حقیقی نیکی به انسان‌ها در ذات نیکی‌ها نهفته است. به عبارت روشن‌تر،

انسان باید فقط برای قرب به خدا کار بکند و توقع مزد و پاداش از دیگران نداشته باشد.^۲

۳. محبوب‌ترین انسان‌ها نزد خداوند کسی است که به انسان‌های دیگر سود

برساند و هرکس باید به یاری دیگران بشتابد، چنانکه در روایات آمده است:^۳

الْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالٌ لِلَّهِ وَ أَحَبُّهُمْ إِلَيْهِ أَنْفَعُهُمْ لَهُمْ

«مردم همگی مانند عیال (خانواده) خداوند هستند و محبوب‌ترین آنها نزد خداوند،

سودمندترین آنها به مردم است».

۴. اسلام، انسان‌ها را به عنوان عضو یک خانواده تلقی می‌کند. رابطه آنها باید

براساس برادری با یکدیگر باشد.

۵. اسلام، انسان‌ها را به چند دسته تقسیم می‌کند، ولی در عین حال برای همه

آنها یک سلسله حقوق مشترک در نظر می‌گیرد که عبارتند از:

الف) حق حیات،

ب) حق کرامت ذاتی،

ج) حق کار و فعالیت،

د) حق تعلیم و تربیت،

ه) حق آزادی.

۱. سوره مائده، آیه ۳۲.

۲. سوره انسان، آیه ۹.

۳. سوره کافی، ج ۲، ص ۱۶۴.



۶. برای رشد و تکامل واقعی انسان‌ها، عامل ماورای طبیعی الهی ضرورت دارد و این مسئله نیز در اسلام مورد توجه قرار گرفته است.

قضایای ارزشی اعلامیه غربی حقوق بشر

در لابه‌لای مباحث مطرح شده در اعلامیه غربی حقوق بشر، از یک سلسله مفاهیم ارزشی سخن به میان آمده است:

۱. انسان محور همه مسائل در اعلامیه غربی حقوق بشر است: آنچه که در اینجا مطرح است، تفسیر انسان از دیدگاه این اعلامیه است. آیا در این اعلامیه، انسان «همان جاننداری است که بر مبنای قوانین ناآگاه طبیعت به وجود آمده و پس از مدتی زندگی بی‌هدف در روی زمین و تخریب طبیعت و گلاویز شدن با هموعان خود و عشق به لذت و منفعت بدون حد و حصر، راهی زیر خاک تیره می‌شود و سپس هیچ؟ یا انسان آن موجود با معنایی است که مطابق نظر ادیان حقه الهی، با حکمت عالیه خداوندی به وجود آمده و رو به هدفی با معنا سیر می‌کند؟» اگر تفسیر اول را بپذیریم، انسان به عنوان موجودی خودخواه تلقی خواهد شد که خود را هدف و دیگران را وسیله تلقی خواهد کرد. برای چنین انسانی که هدف زندگی چیزی جز لذت‌جویی نیست، ارزش و کرامت ذاتی انسان، خواب و خیالی بیش نخواهد بود. در اعلامیه غربی حقوق بشر، حتی یک بار هم سخنی از برتری فضیلت و تقوا و تشویق و تحریک انسان‌ها به کسب آنها به میان نیامده است؛ در صورتی که برای انسان‌ها هیچ‌گونه حیثیت و کرامت و شرافت و ارزشی نمی‌توان بدون فضیلت و تقوا اثبات و قابل

پذیرش ساخت.^۱

۲. حیثیت ذاتی انسان: لازمه نیل به آزادی و صلح و عدالت، پذیرش کرامت انسانی است. کرامت انسانی نیز با شعار «انسان دارای حیثیت ذاتی است»، تحقق نمی‌پذیرد و تا برای انسان‌ها این مسئله اثبات نشود، فرمول تباه‌کننده «من هدف و دیگران وسیله» از میان نخواهد رفت. هیچ مسئله و موضوعی نیز در حقوق بشر بهتر است و اساسی‌تر از مسئله حیثیت و شرافت و کرامت ذاتی انسان‌ها نیست و بر همه متفکران فرض است که به ضرورت این مسئله توجه داشته باشند.

۳. اعضای خانواده بشری: اینکه انسان‌ها پیوستگی کامل با یکدیگر داشته باشند، از عالی‌ترین آرمان‌های بشری تلقی می‌شود. متأسفانه از آغاز ظهور زندگی اجتماعی تاکنون - به استثنای مواردی که رهبران الهی انسان‌ها را با وحدتی که در ذاتشان نهفته است، آشنا ساخته‌اند - اکثر انسان‌ها خود را وابسته به یکدیگر تصور نکرده‌اند. تا انسان‌ها به عالم ماورای طبیعت - که جایگاه اصلی آنهاست - متصل نشوند، نمی‌توانیم از آنها بخواهیم که وحدت و ارتباط حقیقی خود را حفظ کنند. باید انسان‌ها از هدفی مشترک و والا برخوردار باشند تا دست از منفعت‌طلبی‌های خود بردارند و به جای «منافع من»، به «منافع دیگران» بیاورند.

۴. برادری و برابری: بدون شک، یکی از آرمان‌های انسان‌ها در زندگی دسته‌جمعی، ایجاد رابطه برادری و برابری است. همه انبیای عظام و حکمای راستین نیز درصدد تفهیم این مسئله مهم به بشریت بوده‌اند. متأسفانه در طول تاریخ،

۱. آیت‌الله جوادی آملی کاستی‌های بنیادین اعلامیه غربی حقوق بشر را بدین ترتیب می‌شمارد: ۱. گسستن از فطرت ۲. غفلت از رابطه انسان و جهان آفرینش ۳. غفلت از رابطه انسان با خداوند .



قدرتمندان و خودمحروران خلاف این مسیر حرکت کرده‌اند و رابطه برادری و برابری انسان‌ها را بر هم زده‌اند. برادری میان انسان‌ها باردار عالی‌ترین مفهوم پیوستگی و عاطفی است.

۵. **روابط دوستانه:** برقراری رابطه دوستانه میان انسان‌ها نیز از آرزوهای دیرین بشریت است. متأسفانه تاکنون به جهت عشق و علاقه مفرط به خودمحروری که خودکامگی و ازخودبیگانگی از خود حقیقی انسانی نمودهایی از آن است، روابط میان انسان‌ها - به ویژه قدرتمندان و ناتوانان - همانند رابطه گرگ و میش و میان قدرتمندان رابطه گرگ‌ها با یکدیگر بوده است.

۶. **روح بشریت:** این مفهوم نیز از مفاهیم ارزنده مندرج در اعلامیه غربی حقوق بشر است. اگر روح بشری با عظمت و قداستی که دارد، حقیقتاً مورد احترام قدرتمندان عالم قرار می‌گرفت، مسیر تاریخ عوض می‌شد و انسان‌های بسیاری مورد ظلم و ستم قرار نمی‌گرفتند. البته روح بشری هنگامی می‌تواند دارای ارزش و قداست باشد که امر غیرمادی تلقی شود، نه آنکه از خواص و آثار پدیده‌های مادی و سلسله اعصاب به‌شمار آید.

۷. **حقوق یکسان:** رعایت حقوق انسان‌ها و برقراری مساوات میان آنها، از عالی‌ترین آرزوهای انسان‌های رشد یافته است که متأسفانه در طول تاریخ کمتر تحقق یافته و بیشتر در حد نوشته‌ها و سخنرانی‌ها بوده است.

۸. **آزادی:** در باب آزادی، تعریف‌های مختلفی ارائه شده است. به نظر ما، آزادی «عامل بقای مطلوب حیات» و «نظاره و سلطه شخصیت انسانی به دو قطب مثبت و منفی کار در مسیر آنچه که با نظر به دو بُعد مادی و روحی انسان است» می‌باشد. این انتقاد

به اعلامیه حقوق بشر وارد است که آن قدر بر آزادی طبیعی انسان‌ها تأکید شده که آزادی روحی به فراموشی سپرده شده است. در این اعلامیه حتی برخی از حقوق جمعی انسان‌ها، نظیر دفع استضعاف از خویشتن، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

۹. **صلح:** همه دلایل عقلی و اخلاقی و دینی که اهمیت و ارزش حیات انسان‌ها را بیان می‌کند، حراست و حفظ آن را نیز مورد تأکید قرار می‌دهد. از آنجا که صلح و صفا لازمه حفظ و حراست حیات است، در نفی جنگ و ستیز - که عامل نابودی حیات انسانی می‌باشد - نیاز به دلایل دیگری نیست. آنچه در بحث از صلح باید مورد توجه قرار گیرد، این است که با منتفی ساختن برخوردهای فیزیکی و کشتارهای محسوس، بدون حذف انگیزه‌های جنگ و ستیز در درون انسان‌ها، نمی‌توان صلح و آرامش را برقرار ساخت.

۱۰. **عدالت:** عدالت به معنای روش آگاهانه و آزادانه مطابق با قانون است. آنچه در این تعریف اهمیت دارد، مسئله قانون است. یعنی آن قانونی که روش آزادانه و آگاهانه مطابق با آن عدالت نامیده می‌شود، چیست و با چه معیاری تعیین می‌شود؟ زیرا هر فرد و اجتماعی برای خود، اصولی را به‌عنوان قانون می‌پذیرد که مطابق با موقعیت و فرهنگ خاص خود می‌باشد. با این بیان، اعلامیه غربی حقوق بشر که کلمه عدالت را به کار برده، باید مشخص کند کدام حقیقت را به‌عنوان عدالت مطرح می‌سازد.

از همین جاست که بار دیگر، موضوع اخلاق عالی‌ه بشری که مستند به فطرت پاک و پذیرش و عمل به اصول تکاملی است، ضرورت خود را اثبات می‌کند. به اضافه اینکه اگر ما آزادی بشر را به قدری وسیع و گسترده تلقی کنیم که آدمی ممنوعیتی از هیچ‌گونه کتافات‌ها و پلیدی‌های روانی در خود احساس نکند، هیچ حقیقتی به‌عنوان



عدالت واقعی در درون او به وجود نخواهد آمد، بلکه حرکات او، اگر موافق مقررات و قوانین تثبیت شده انجام بگیرد، همان حرکات جبری خواهد بود که عوامل ایجادکننده جبری آنها را به وجود می‌آورد. آن عدالت که برای تصور و پذیرش و عمل به حقوق بشر لازم است، بدون تخلق به اخلاق عالی‌ه انسانی امکانپذیر نخواهد بود.

۱۱. **بالاترین آمال بشری:** در اعلامیه غربی حقوق بشر، آزادی عقیده و رفع ترس و فقر، به‌عنوان بالاترین آمال بشری تلقی شده‌اند. در این اعلامیه، لزوم شناسایی و احترام به حقوق بشر، از این جهت مورد توجه قرار گرفته است که از بروز اعمال وحشیانه‌ای که روح بشریت را به عصیان وامی‌دارد، جلوگیری شود و دنیایی تحقق پیدا کند که افراد بشر در عقیده و بیان آزاد باشند و از ترس و فقر نیز فارغ شوند.

اینکه اعمال وحشیانه از میان برود و روح بشری آرامش بیابد و در جوامع بشری آزادی بیان و عقیده مسئولانه وجود داشته باشد و ترس و فقر نیز از میان برود، یک ضرورت بدیهی است، اما این امور را نمی‌توان بالاترین آمال حیات محسوب کرد، بلکه باید این امور را وسیله تلقی نمود تا نظریه «زندگی برای خود زندگی» - که مناسب تاریخ حیوانی است نه تاریخ انسانی - تحقق نیابد.

۱۲. **عقل و وجدان:** در ماده (۱) از این اعلامیه، دو کلمه «عقل» و «وجدان» برای اثبات عظمت و ارزش انسانی آمده است که این دو مفهوم که از منابع حقوق هستند نه خود حقوق باید در مقدمه می‌آمدند نه در ماده.

اینکه انسان دارای عقل و خردی است که به وسیله آن می‌اندیشد و صحیح را از غلط و درست را از نادرست تشخیص می‌دهد، بحث مهمی نیست، اما در مورد مفهوم

وجدان بحث بسیار است، زیرا اولین سؤال این است که وجدان چیست؟ آیا مراد آگاهی و مخصوصاً خودآگاهی است یا وجدان اخلاقی؟ البته وجدان اخلاقی مراد است که تدوین‌کنندگان حقوق بشر می‌خواهند با بهره‌گیری از آن افراد انسانی را به عمل به مواد سی‌گانه حقوق بشر تشویق و تحریک کنند.

برای اینکه بشریت از وجدان اخلاقی خود درست بهره‌برداری کند و عقل خود را تابع هوی و هوس قرار ندهد تا به حقیقت نائل شود، باید متفکران علوم انسانی به بحث و بررسی پیرامون این مقولات بپردازند تا خطای گذشتگان و معاصران را درباره طرد این موضوعات اصیل از منطقه انسانی و انسانیت به اثبات برسانند.

۱۳. **حیات:** در عصر ما زیست‌شناسی و برخی از مکاتب روانشناسی که دچار علم‌پرستی شده‌اند، حیات انسان را مادی تصور کرده‌اند. از نظر برخی از علم‌زده‌گان، حیات چیزی جز اجتماع و تفاعل مواد بی‌جان، چیز دیگری نیست و براساس همین مطالب به ظاهر علمی، تیشه بر جان آدمیان زده شد و ارزش حیات از میان رفت. تا حیات آدمی غیرمادی تصور نشود، نمی‌توان برای حیات انسان ارزش قائل شد.

۱۴ و ۱۵. **عقیده و ایمان ملل متحد:** این دو مفهوم نیز مانند برخی مفاهیم دیگر، مورد افراط‌گری‌های علم‌پرستان قرار گرفته است، زیرا علم‌پرستان عقیده را فقط مجموعه‌ای از تصدیق‌های علمی می‌دانند که متکی به مقدمات علمی محض است و برای شهود و دریافت‌های احساسات برین، ارزش قائل نیستند.

۱۶. **احترام جهانی:** در مقدمه اعلامیه غربی حقوق بشر بر لزوم احترام جهانی تأکید شده است. بدیهی است که درخواست احترام جهانی برای یک موضوع، بدون تفهیم علت واقعی آن موضوع، از یک خواست عاطفی نمی‌تواند تجاوز کند، لذا



ضروری است که به هر شکل ممکن، فلسفه ضرورت این احترام جهانی برای مردم روی زمین کاملاً توضیح داده شود و با مجرد ادعا نمی‌توان از مردم دنیا، مادامی که واقعاً به فلسفه و هدف آن پی نبرده‌اند، احترام به حقوق جهانی بشر را مطالبه کرد، زیرا احترام از آن نوع پدیده‌های روانی است که باردار ارزشی است و اگر سازمان ملل نتوانسته باشد ارزش‌ها را از چنگال مدعیان علم و علم‌پرستان حرفه‌ای نجات بدهد، نمی‌تواند به هیچ وجه با خواهش و تمنا، این احترام را از مردمی که با ایدئولوژی‌های مختلف و فرهنگ‌های گوناگون زندگی می‌کنند، توقع داشته باشد.

۱۷. حس تفاهم مشترک: در اعلامیه غربی حقوق بشر، تصریح شده است که برای اجرای کامل مواد این اعلامیه، حسن تفاهم مشترک ضرورت دارد. این مطلب منطقی است که برای اجرای کامل مواد حقوق بشر، حسن تفاهم ضرورت دارد و برای تحقق آن نیز اقدامات بسیار باید انجام داد.

۱۸. اعمال وحشیانه: بند «۲» مقدمه اعلامیه جهانی، عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر را منتهی به اعمال وحشیانه می‌داند. آنچه در اینجا اهمیت دارد، ذکر این نکته است: اگر متفکران و رهبران حقوقی و سیاسی بشر، «غلبه قوی بر ضعیف» را یک عمل وحشیانه تلقی نکنند و در جهت کنترل خودخواهی‌های انسان برنمایند، نمی‌توانند جلوی اعمال وحشیانه را بگیرند. امروزه باید این طرز تفکر که «هر چه را که من بخواهم جزء منافع من است و من می‌توانم هر چیز را که منفعت خود تشخیص داده‌ام، به دست بیاورم»، کنار گذاشته شود و به جای آن، این اصل مطرح شود: «آنچه حق من است، می‌توانم آن را بدون کمترین نقصی استفاده کنم و دوست و اجتماع هم باید از این حق من دفاع کنند».

۱۹. عصیان: در مقدمه اعلامیه آمده است: «از آنجا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه‌ای شده است که روح بشریت را به عصیان واداشته...». از نظر ما، کلمه عصیان که در این عبارت آمده، کلمه مناسبی نیست، زیرا کلمه عصیان بار منفی دارد و به معنای طغیان در برابر ارزش‌هاست. جا داشت به جای آن از عبارت «مقاومت برای حقوق‌طلبی» استفاده می‌شد که مراد از آن، ایستادگی فرد در برابر حقوق از دست رفته خود است.

۲۰. مجاهدت: در آخرین جمله مقدمه اعلامیه، از انسان‌ها خواسته شده مجاهدت کنند که به وسیله تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادی‌ها توسعه یابد. این نکته قابل ذکر است که این کلمه دارای معنای اخلاقی و ارزشی است و باید زمینه تحقق آن را فراهم آورد تا انسان‌ها مقید به این قبیل ارزش‌های اخلاقی باشند.

۲۱. حد اکمل رشد: یکی از نکات مهم در اعلامیه حقوق بشر، توجه به این نکته است: «آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی را به حد اکمل رشد برساند». آنچه در اینجا مورد بحث است، تفسیر رشد و کمال است که متأسفانه عموماً مورد توجه قرار نمی‌گیرد. متفکران فرهنگ بشری باید در تعریف و تفسیر مفهوم رشد و کمال و آزادی، تلاش بسیار بکنند. اصولاً کمال و رشد، یکی از دو معنا را می‌تواند داشته باشد:

الف) مقصود از رشد و کمال آدمی عبارت است از قدرت وصول به همه اهدافی که نیل به آنها برای انسان امکانپذیر است. به عبارت دیگر، قدرت محض برای وصول به هر هدفی که انسان طالب آن است، خواه آن هدف دارای ارزش انسانی باشد و خواه نباشد. شکی نیست که اگر کمال این‌گونه تصور شود، ضد انسان و انسانیت خواهد بود.



ب) منظور از رشد و کمال عبارت است از «تأثیر و تأثر هر چه بیشتر آدمی از کارگاه هستی وابسته به خداوند بزرگ که بخشنده کمال و رشد بر بندگان خویش است». اگر کمال را این‌گونه تصور کنیم، باید بر لزوم تصفیه درون انسان‌ها و تطبیق گفتار و کردار آنها با تعالیم انبیا تأکید نماییم.

۲۲. رعایت صحیح مقتضیات اخلاقی: در اعلامیه غربی حقوق بشر، رعایت صحیح مقتضیات اخلاقی در شرایط یک جامعه دمکراتیک مطرح شده که خالی از اشکال نیست، زیرا مفهوم را مبهم می‌سازد. در جامعه دمکراتیک اشباع هرگونه امیال و خواسته‌ها، به شرط آنکه منجر به مزاحمت برای دیگران نشود، مجاز است. این امر موجب می‌شود اخلاق والای انسانی تا سر حد نابودی تنزل پیدا کند.

مشترکات حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب

میان حقوق بشری که اسلام مطرح کرده است و اعلامیه حقوق بشر غرب، مشترکات زیر وجود دارد:

۱. هر دو نظام، حق حیات را مطرح کرده‌اند.

۲. هر دو نظام، حق کرامت و حیثیت انسانی را مورد توجه قرار داده‌اند.

۳. هر دو نظام، حق تعلیم و تربیت را از جمله اصولی دانسته‌اند که مسئولین جامعه را مسئول تحقق آن دانسته است.

۴. هر دو نظام، حق آزادی را از حقوق اساسی تلقی کرده‌اند و دولت و اجتماع را مسئول برخورداری از این حق اساسی دانسته‌اند.

بررسی اجمالی مشترکات و تفاوت‌ها

۱. اصل حق حیات: در هر دو نظام، حق حیات شایسته، حق آزادی، حق امنیت، ممنوعیت شکنجه و رفتار ظالمانه و ممنوعیت رفتار خلاف شئون انسانیت را در نظر گرفته‌اند. علیرغم این مشترکات، اختلافاتی نیز به شرح زیر میان دو نظام وجود دارد: الف) اسلام، حیات را بخشش خداوندی می‌داند، ولی در حقوق بشر غرب، چنین استنادی در مورد حیات انسان وجود ندارد.

ب) در مقدمه حقوق بشر غرب، دولت‌ها و جوامع برای اجرای مواد مربوط به حق حیات، مکلف هستند و این نوع تکلیف ضمانت اجرای دقیقی ندارد.

ج) در حقوق بشر اسلامی این نکته بیان شده که از هیچ وسیله‌ای نمی‌توان برای نابودی حیات بشر استفاده کرد، درحالی که در حقوق بشر غربی به چنین چیزی اشاره نشده است. از نظر اسلام، هیچ فردی حق ندارد به حیات خود آسیب وارد کند و اگر هم از ناحیه کسانی حیات او مورد تعرض قرار گیرد، باید به رفع آن بپردازد.

د) از نظر اسلام، حق حیات تا آنجا اهمیت دارد که سقط جنین - جز در مواردی که شرع برای حفظ جان تجویز کرده - جایز نیست.

۲. اصل کرامت انسانی: این اصل نیز مورد توجه هر دو نظام حقوقی قرار دارد. البته در دین اسلام دو نوع کرامت مورد توجه قرار گرفته است:

الف) کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان‌ها از آن برخوردارند.

ب) کرامت ارزشی که بر اثر به‌کارگیری استعدادها در مسیر رشد و کمال حاصل می‌شود.

در مورد این اصل (اصل کرامت انسانی)، مشترکات زیر میان دو نظام وجود دارد:



الف) تعیین کرامت ذاتی برای همه انسان‌ها.

ب) هیچ انسانی را بی‌جهت نمی‌توان تحقیر کرد.

ج) کرامت ذاتی انسان موجب می‌شود تا حقوق و تکالیف خاصی را برای ایفای

این حق دارا باشد.

د) هیچ‌گونه گرایش سیاسی یا وضعیت اجتماعی، موجب سلب کرامت ذاتی انسان نمی‌شود.

هـ) هرگونه شکنجه با آزار و اهانت ممنوع است.

و) شرافت و اسم و رسم هیچ فردی نباید مورد اهانت قرار گیرد.

ز) هر انسانی حق آن سطح زندگی را دارد که بتواند سلامتی و نیازهای خود و

خانواده خویش را تأمین و با آبرومندی زندگی کند.

میان این دو نظام، در مورد این اصل (اصل کرامت انسانی)، اختلاف‌های زیر وجود دارد:

الف) در نظام حقوق بشر غربی، تمایزی میان کرامت ذاتی و کرامت ارزشی

وجود ندارد، در صورتی‌که در اسلام به چنین تمایزی اشاره شده است.

ب) در تفکر اسلامی کرامت ذاتی ناشی از عنایت خداوندی به بندگان خویش

است، اما در تفکر غربی چون یک نظام انسان‌شناسی دقیقی وجود ندارد، توجیه

منطقی برای این اصل نمی‌توان یافت.

ج) در حقوق بشر اسلامی، حق زیستن انسان‌ها در محیطی به دور از مفسد اخلاقی،

یک حقیقت مسلم است، ولی در حقوق بشر غربی اساساً چنین مسئله‌ای مطرح نیست.

۳. اصل تعلیم و تربیت: در مورد این اصل نیز مشترکات زیر وجود دارد:

الف) اصل کلی حق تعلیم و تربیت مورد توجه هر دو نظام است.

ب) هر دو نظام، تعلیم و تربیت را در جهت رشد و تکامل انسان مطرح می‌کنند.

ج) در انتخاب نوع تعلیم و تربیت، برای فرزندان، پدر و مادر بر دیگران ترجیح دارند.

د) آموزش و پرورش مناسب با کرامت انسانی، حق هر انسانی است.

وجود اختلاف میان این دو نظام نیز در زمینه اصل تعلیم و تربیت عبارت است از:

الف) در نظام حقوق بشر غربی، تعلیم در سطح تحصیلات ابتدایی واجب دانسته

شده، اما اسلام به جهت آنکه برای انسان‌ها حیات شایسته و با کرامت را می‌خواهد و

این چنین حیات شایسته‌ای نیز بدون تعلیم و تربیت صحیح امکانپذیر نمی‌باشد، لذا

تعلیم و تربیت در طول عمر آدمی ضروری است.

ب) حق انتخاب نوع تربیت برای فرزندان، در اسلام مشروط به لزوم مراعات

مصلحت فرزندان، از نظر ارزش‌های اخلاقی و احکام فطری اسلام می‌باشد، در

صورتی‌که در حقوق بشر غربی چنین شرطی وجود ندارد.

ج) در اسلام، چنانچه کودکی پدر و مادر نداشته باشد، تعلیم و تربیت وی برعهده

کسانی است که ولایت قانونی بر او دارند، مانند پدر بزرگ، اما در حقوق بشر غربی، چنین

مطلبی پیش‌بینی نشده است.

د) در حقوق بشر اسلامی به مسائل معنوی و روحی انسان‌ها توجه شده، ولی

در حقوق بشر غربی، به این مسائل عنایتی نشان داده نشده است.^۱

۱. آیت‌الله جوادی آملی نیز یکی از ثمرات حقوقی توجه به جنبه معنوی حیات انسانی در حقوق بشر اسلامی را این می‌داند که حقوق بشر غرب نمی‌تواند جهانشمول باشد زیرا برجسته‌ترین ویژگی توجه صرف به بدن و جنبه مادی انسان این است که در وضعیت‌های گوناگون حالات مختلفی دارد مثلاً تفاوت آب و هوای اقلیم‌های مختلف، اختلاف نژادها و تفاوت اوضاع جغرافیایی سبب می‌شوند که ملت‌ها و اقوام مختلف دارای وضعیت جسمی خاص خود باشند؛ اما توجه حقوق بشر اسلام به مسائل معنوی و جنبه غیرمادی انسان و روح مجرد او که هرگز در بند تفاوت‌های اقلیمی بلکه زمینی نیست می‌تواند آن را جهانشمول نماید.



ه) دعوت به خیرات و کمالات، از حقوق مهم انسان‌ها در جامعه اسلامی است، ولی در حقوق بشر غربی، چنین چیزی مورد توجه قرار نگرفته است.

و) از نظر اسلام، تبلیغات و وسایل ارتباط جمعی باید در خدمت رشد و تعالی انسان‌ها باشند، ولی در نظام‌های غربی، این امور در خدمت نفع‌پرستی و لذت‌گرایی هستند.

۴. اصل آزادی مسئولانه: در بحث از آزادی نیز مشترکات و تفاوت‌هایی را میان دو نظام حقوق بشر غربی و اسلامی می‌توان مشاهده کرد.

مشترکات آن عبارت است از:

الف) همه انسان‌ها آزاد به دنیا می‌آیند و هیچ کس نمی‌تواند آنها را برده قرار دهد.

ب) همه انسان‌ها از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند.

ج) همه انسان‌ها دارای عقل و وجدان هستند.

د) همه انسان‌ها باید براساس برادری با یکدیگر رفتار کنند.

ه) اهانت به انسان‌ها به هیچ وجه جایز نیست.

و) آزادی اندیشه و بیان و اظهار رأی، از حقوق مسلم انسان‌هاست.

ز) حق بهره‌برداری از نتایج فعالیت‌های علمی و ادبی و هنری، از حقوق مسلم همه انسان‌هاست.

ح) آزادی مذهب نیز از حقوق انسان‌هاست.

ط) حق تابعیت نیز در هر دو نظام پذیرفته شده است.

در اصل آزادی مسئولانه، امتیازات نظام حقوق بشر اسلامی بر غربی نیز در امور زیر است:

الف) این اصل که هیچ کس حق سلطه بر دیگری را ندارد، در نظام حقوق بشر

اسلامی تصریح شده، ولی در حقوق بشر غربی مورد غفلت قرار گرفته است.

ب) بندگی انسان نسبت به خداوند، آثار و تبعات زیادی دارد که در نظام حقوق بشر اسلامی پذیرفته شده است.

ج) در اسلام، هیچ کس نباید از آزادی قلم و بیان و ابراز عقیده و مذهب، بدون هیچ قید و شرطی استفاده کند و نباید موجبات اختلال در زندگی مطلوب مردم جامعه را فراهم آورد. همان‌گونه که در مباحث قبل گفته شد: «آزادی فی نفسه مطلوب مطلق و هدف نیست، بلکه آزادی - در حقیقت - برخورداری از نیروی خلاقه حیات است تا آدمی بتواند به وسیله آن به حیات معقول نائل گردد».

- آزادی در انتخاب مذهب نیز باید همراه با تعلیم و تربیت و توجیه صحیح افراد باشد.

- در بهره‌برداری از آزادی‌ها، ممنوعیت فقط متوجه مواردی نیست که به حقوق دیگران ضرر وارد می‌سازد، بلکه انسان از نظر رشد و کمال نباید آسیبی به خود وارد کند.

نتیجه‌گیری

هرچند میان حقوق بشری که اسلام مطرح کرده است و اعلامیه حقوق بشر غرب، مشترکات متعددی وجود دارد و هر دو نظام، حق حیات را مطرح کرده‌اند، حق کرامت و حیثیت انسانی را مورد توجه قرار داده‌اند و نیز هر دو نظام، حق تعلیم و تربیت را از جمله اصولی دانسته‌اند که مسئولین جامعه را مسئول تحقق آن دانسته است؛ هر دو نظام، حق آزادی را از حقوق اساسی تلقی کرده‌اند و دولت و اجتماع را مسئول



برخورداری از این حق اساسی دانسته‌اند اما تفاوت‌های ریشه‌ای بسیاری نیز در مبانی، اهداف، قلمرو و ضمانت اجراهای این دو نظام وجود دارد به گونه‌ای که ثمرات حقوقی آن در اسناد حقوق بشری پسینی مترتب بر آن همچون بیانیه داکا درخصوص حقوق بشر در اسلام (مصوب چهاردهمین نشست وزرای خارجه کنفرانس اسلامی در دسامبر ۱۹۸۳) و بیانیه حقوق و مراقبت از کودک در اسلام (مصوب هفتمین کنفرانس سران اسلامی به موجب قطعنامه شماره 7/16-1994-c) و عهدنامه ۲۰۰۵ حقوق کودک OIC ملاحظه می‌شود.

در یک جمله می‌توان به طور جزم ادعان نمود که حقوق بشر اسلام ده‌ها مرتبه نسبت به حقوق بشر غرب در سه محور مبانی، قلمرو و آثار حقوقی جامع‌تر است، بلکه حقوق بشر غرب از این سه منظر حتی نسبت به حقوق حیوانات در اسلام نیز کاستی و نقص‌های متعددی دارد.^۱

۱. به همین مناسبت دفتر حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی طرحی با عنوان «بررسی تطبیقی تفوق حقوق حیوانات در اسلام نسبت به حقوق بشر در غرب» را در دست بررسی دارد.

پیوست

ترجمه اعلامیه حقوق بشر اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

يا ايها الناس انا خلقناكم من ذكر و انثى و جعلناكم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اكرمكم عندالله اتقاكم

قرآن کریم

دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی با ایمان به الله، پروردگار جهانیان و آفریدگار کائنات و بخشنده نعمت‌ها، خداوندی که انسان را به بهترین وجه آفریده و به او حیثیت داده و وی را خلیفه خود در زمین گرداند، خداوندی که آبادانی و اصلاح زمین را برعهده بشر گذارده و امانت تکالیف الهی را بر گردن او نهاده و آنچه در آسمان‌ها و زمین است همگی را تحت تصرف وی قرار داد و با تصدیق رسالت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله که خداوند ایشان را به هدایت و آیین راستین فرستاده و وی را رحمتی برای جهانیان، و آزادگری برای بردگان و شکننده‌ای برای طاغوت‌ها و مستکبران گردانیده است، پیامبری که برابری را میان همه بشریت اعلام نموده و هیچ اولویتی برای کسی بر دیگری جز در تقوا قائل نشده و فاصله‌ها و اکراه را از میان مردم برچید، مردمی که خداوند آنان را از روح واحد آفریده است.

و با در نظر گرفتن عقیده توحید ناب که ساختار اسلام بر پایه آن استوار شده



است، عقیده‌ای که بشریت را فرا خواند تا جز خدا کسی را پرستش نکرده و شریکی برای او قائل نشوند واحدی را به‌عنوان خدا به جای الله نگیرند، عقیده‌ای که پایه راستین آزادی مسئولانه بشریت و حیثیت آنان را پی‌ریزی کرده و رهایی انسان از بردگی را اعلان نموده است.

و برای تحقق اموری که در شریعت جاودان اسلامی آمده است از جمله پاسداری از دین و جان و خرد و ناموس و مال و نسل و دیگر امتیازات چون جامعیت و میانه‌روی در کلیه مواضع و احکام، این شریعت معنویات و ماده را با هم درآمیخت و عقل و قلب را هماهنگ ساخت و میان حقوق و وظایف موازنه به‌وجود آورد و بین حرمت فرد و مصلحت عمومی تلفیقاتی به‌وجود آورد و معیارهای قسط را میان طرف‌های ذریب برقرار کرد تا اینکه نه طغیانی باشد و نه زیانی.

ضمن تأکید بر نقش تمدنی و تاریخی امت اسلامی که خداوند آن را بهترین امت برگزید تا این امت یک تمدن جهانی همگون را به بشریت تقدیم نماید، تمدنی که می‌تواند دنیا را به آخرت ربط داده و علم و ایمان را بهم بپیوندند. لذا از چنین امتی امروزه انتظار می‌رود که به هدایت بشریت گمراه در امواج و مسلک‌هایی که در حال رقابت متضاد هستند اقدام نموده و راه‌حلهایی برای مشکلات مزمن تمدن مادی ارائه دهد.

و به جهت ایفای سهم خود در تلاش‌های بشری که مربوط به حقوق بشر است - حقوقی - که هدفش حمایت بشر در مقابل بهره‌کشی و ظلم بوده و تأکید بر آزادی و حقوق او در حیات شرافتمندانه‌ای دارد که با شریعت اسلامی هماهنگ است.

با اعتقاد به اینکه بشریتی که در بالاترین درجات علم مادی رسیده است، پیوسته و در هر زمان نیازمند تکیه‌گاهی ایمانی جهت پاسداری از تمدن خود و عامل

حمایت‌کننده از حقوق خویش می‌باشد.

و با ایمان به اینکه حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی در اسلام جزئی از دین مسلمانان است، پس هیچ احدی به‌طور اصولی حق متوقف کردن کلی یا جزئی یا زیر پا نهادن یا چشم‌پوشی کردن از احکام الهی تکلیفی که خداوند از راه کتاب‌های خود نازل نموده و خاتم پیامبرانش را فرستاده و به‌وسیله او پایان و اختتامی برای رسالت آسمانی به‌عمل آورده است، ندارد. بنابراین مراعات آنها، عبادت است و کوتاهی از آنها یا تجاوز بر آنها منکر است و هر انسانی به‌طور منفرد، مسئول پاسداری و اجرای آن است و امت به‌گونه‌ای هماهنگ در تضمین (مشترک) در قبال آنها، مسئولیت دارد. بدین جهت، دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی بر این اساس، مواد زیر را اعلام می‌نمایند.

ماده یک

الف) بشر به طور کلی، یک خانواده می‌باشند که بندگی نسبت به خداوند و فرزندگی نسبت به آدم آنها را گردآورده و همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسئولیت برابرند بدون هرگونه تبعیضی از لحاظ نژاد، یا رنگ یا زبان یا جنس یا اعتقاد دینی یا وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و غیره.

ضمناً عقیده صحیح، تنها تضمین برای رشد این شرافت از راه تکامل انسان می‌باشد.

ب) همه مخلوقات به منزله عاقله خداوندی هستند و محبوب‌ترین آنان نزد خدا سودمندترین آنان به‌همنوع خود است و هیچ احدی بر دیگری برتری ندارد مگر در تقوا و کار نیکو.

**ماده دوم**

الف) زندگی موهبتی است الهی و حقی است که برای هر انسانی تضمین شده است و بر همه افراد و جوامع و حکومت‌ها واجب است که از این حق حمایت نموده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند و جایز نیست کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی.

ب) استفاده از وسیله‌ای که منجر به از بین بردن سرچشمه بشریت به طور کلی یا جزئی گردد، ممنوع است.

ج) پاسداری از ادامه زندگی بشریت تا هر جایی که خداوند مشیت نماید، وظیفه‌ای شرعی می‌باشد.

د) حرمت جنازه انسان باید حفظ شود و بی‌احترامی به آن جایز نیست کما اینکه جایز نیست لمس کردن آن مگر با مجوز شرعی و بر دولت است حمایت از این امر.

ماده سوم

الف) در صورت به‌کارگیری زور یا کشمکش‌های مسلحانه، نباید آنانی را که در آن مشارکتی نداشته‌اند همچون پیرمردان و زنان و کودکان، را کشت و هر مجروح و بیماری حق مداوا، و اسرا حق خوراک و پناهگاه و لباس دارند و مثله کردن مقتولین ممنوع است و باید اسرا را مبادله و فی‌مابین خانواده‌هایی که اوضاع جنگ باعث جدایی آنان شده است، دیدارهایی به عمل آید.

ب) قطع درختان یا از بین بردن زراعت و دام‌ها یا تخریب ساختمان‌ها و مؤسسات کشور دشمن به‌وسیله بمباران یا موشک‌باران و غیره؛ جایز نمی‌باشد.

ماده چهارم

هر انسانی، حرمتی دارد و می‌تواند از آوازه خود در زندگی یا پس از مرگ پاسداری نماید و دولت و جامعه موظف است که از پیکر و مدفن او پاسداری کند.

ماده پنجم

الف) خانواده، پایه ساختار جامعه است و زناشویی اساس ایجاد آن می‌باشد، بنابراین مردان و زنان حق ازدواج دارند و هیچ قید و بندی که بر پایه نژاد یا رنگ یا قومیت باشد، نمی‌توان از این حق آنان، جلوگیری کند.

ب) جامعه و دولت موظف است موانع را از فرا راه ازدواج برداشته و راه‌های آن را آسان و از خانواده حمایت به عمل آورد.

ماده ششم

الف) در حیثیت انسانی، زن با مرد برابر است و به همان اندازه که زن وظایفی دارد، از حقوق نیز برخوردار است و دارای شخصیت مدنی و ذمه مالی مستقل و حق حفظ نام و نسبت خویش را دارد.

ب) بار نفقه خانواده و مسئولیت نگهداری آن، از وظایف مرد می‌باشد.

ماده هفتم

الف) هر کودکی از زمان تولد، حقی بر گردن والدین خویش و جامعه و دولت در محافظت دوران طفولیت و تربیت نمودن و تأمین مادی و بهداشتی و ادبی دارد. در ضمن باید از جنین و مادر نگهداری شود و مراقبت‌های ویژه نسبت به آنها مبذول شود.



ب) پدران و کسانی که از نظر قانون شرع به منزله پدرانند، حق انتخاب نوع تربیتی را که برای فرزندان خود می‌خواهند با مراعات منافع و آینده آنان در پرتو ارزش‌های اخلاقی و احکام شرعی دارند.

ج) بر طبق احکام شرع، فرزندان نسبت به والدین خود و اقوام نسبت به اقوام خود حقوقی بر گردن دارند.

ماده هشتم

هر انسانی از لحاظ الزام و التزام، از یک شخصیت شرعی برخوردار است و اگر این شخصیت از بین رفت یا مخدوش گردید، قیم جای او را می‌گیرد.

ماده نهم

الف) طلب علم یک فریضه است و آموزش یک امر واجب است بر جامعه و دولت، و بر دولت لازم است که راه‌ها و وسایل آن را فراهم نموده و متنوع بودن آن را به‌گونه‌ای که مصلحت جامعه را برآورد، تأمین نماید و به انسان فرصت دهد که نسبت به دین اسلام و حقایق هستی معرفت حاصل کند و آن را برای خیر بشریت به‌کار گیرد.

ب) حق هر انسانی است که مؤسسات تربیتی و توجیهی مختلف از خانواده و مدرسه و دانشگاه گرفته تا دستگاه‌های تبلیغاتی و غیره که کوشش در جهت پرورش دینی و دنیوی انسان می‌نماید، برای تربیت کامل و متوازن او تلاش کنند و شخصیتش را پرورش دهند به‌گونه‌ای که ایمانش به خدا و احترامش به حقوق و وظایف و حمایت از آن فراهم شود.

ماده دهم

اسلام دین فطرت است، و به‌کار گرفتن هر گونه اکراه نسبت به انسان یا بهره‌برداری از فقر یا جهل انسان جهت تغییر این دین به دینی دیگر یا به الحاد، جایز نمی‌باشد.

ماده یازدهم

الف) انسان آزاد متولد می‌شود و هیچ احدی حق به بردگی کشیدن یا ذلیل کردن یا مقهور کردن یا بهره کشیدن یا به بندگی کشیدن او را ندارد، مگر خدای تعالی.

ب) استعمار به انواع گوناگونش و به اعتبار اینکه بدترین نوع بردگی است، شدیداً تحریم می‌شود و ملت‌هایی که از آن رنج می‌کشند حق دارند از آن رهایی یافته و سرنوشت خویش را تعیین کنند. همه دول و ملل نیز موظفند از این گروه در مبارزه علیه نابودی هر استعمار و اشغال یاری نمایند. همه ملت‌ها نیز حق حفظ شخصیت مستقل و سلطه خود بر منابع و ثروت‌های طبیعی را دارند.

ماده دوازدهم

هر انسانی بر طبق شریعت حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج کشورش را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن می‌تواند به کشور دیگری پناهنده شود و بر آن کشور پناه‌دهنده واجب است که با او مدارا کند، تا اینکه پناهگاهی برایش فراهم شود. با این شرط که علت پناهنده‌گی به خاطر ارتکاب جرم طبق نظر شرع نباشد.

**ماده سیزدهم**

کار، حقی است که باید دولت و جامعه برای هر کسی که قادر به انجام آن است، تضمین کند و هر انسانی آزادی انتخاب کار شایسته را دارد به گونه‌ای که هم مصلحت خود و هم مصلحت جامعه بر آورده شود. هر کارگری حق دارد از امنیت و سلامت و دیگر تأمین‌های اجتماعی برخوردار باشد و نباید او را به کاری که توانش را ندارد واداشت یا او را به کاری اکراه نمود یا از او بهره‌کشی کرد یا به او زیان رساند و هر کارگری بدون فرق میان مرد و زن، حق دارد که مزد عادلانه در مقابل کاری که ارائه می‌کند سریعاً دریافت نماید و نیز حق استفاده از مرخصی‌ها و پاداش‌ها و ترفیعات استحقاقی را دارد و در عین حال موظف است که در کار خود اخلاص و درستکاری داشته باشد و اگر کارگران با کارفرمایان اختلاف پیدا کردند دولت موظف است برای حل این اختلاف و از بین بردن ظلم و اعاده حق و پایبندی به عدل بدون اینکه به نفع طرفی عدول کند، دخالت نماید.

ماده چهاردهم

انسان، حق دارد کسب مشروع بکند، بدون احتکار و فریب یا زیان رساندن به خود یا دیگران و ربا شدیداً ممنوع می‌باشد.

ماده پانزدهم

الف) هر انسانی حق مالک شدن از راه‌های شرعی را دارد و می‌تواند از حقوق مالکیت به‌گونه‌ای که به خود و یا دیگران و یا جامعه ضرر نرساند، برخوردار باشد و نمی‌توان مالکیت را از کسی سلب کرد مگر بنا بر ضرورت حفظ منافع عمومی و در

مقابل پرداخت غرامت فوری و عادلانه.

ب) مصادره اموال و ضبط آنها ممنوع است مگر بر طبق شرع.

ماده شانزدهم

هر انسانی حق دارد از ثمره دستاوردهای علمی یا ادبی یا هنری یا تکنولوژیکی خود سود ببرد و حق دارد از منافع ادبی و مالی حاصله از آن حمایت نماید، مشروط بر اینکه آن دستاورد (اثر) مغایر با احکام شریعت نباشد.

ماده هفدهم

الف) هر انسانی حق دارد که در یک محیط پاک از مفسد و بیماری‌های اخلاقی به‌گونه‌ای که بتواند در آن خود را از لحاظ معنوی بسازد، زندگی کند، جامعه و دولت موظفند این حق را برای او فراهم کنند.

ب) دولت و جامعه موظفند که برای هر انسانی تأمین بهداشتی و اجتماعی را از طریق ایجاد مراکز عمومی مورد نیاز بر حسب امکانات موجود، فراهم نمایند.

ج) دولت مکلف است حق هر انسانی را در زندگی شرافتمندانه‌ای که بتواند از طریق آن مایحتاج خود و خانواده‌اش را برآورده سازد و شامل خوراک و پوشاک و مسکن و آموزش و درمان و سایر نیازهای اساسی می‌شود تضمین نماید.

ماده هجدهم

الف) هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و خانواده و ناموس و مال خویش، در آسودگی زندگی کند.



ب) هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او و مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هرگونه دخالت زورگویانه در این شئون حمایت شود.

ج) مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا به صورت غیرمشروع وارد آن شد، و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنینش را آواره نمود.

ماده نوزدهم

الف) مردم در برابر شرع مساوی هستند. در این امر حاکم و محکوم نیز با هم برابرند.

ب) مراجعه و پناه بردن به دادگاه، حقی است که برای همه تضمین شده است.

ج) مسئولیت در اصل شخصی است.

د) هیچ جرمی یا مجازاتی نیست مگر به موجب احکام شریعت.

هـ) متهم، بی‌گناه است تا اینکه محکومیتش از راه محاکمه عادلانه‌ای که همه تضمین‌ها برای دفاع از او فراهم باشد ثابت گردد.

ماده بیستم

دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید، یا مجازات هر انسانی جایز نیست مگر به مقتضای شرع و نباید او را شکنجه بدنی یا روحی کرد یا با او به‌گونه‌ای حقارت‌آمیز یا سخت، یا منافی حیثیت انسانی، رفتار کرد. همچنین اجبار هر فردی برای آزمایشات

پزشکی یا علمی جایز نیست مگر با رضایت وی و مشروط بر اینکه سلامتی و زندگی او به مخاطره نیافتد. همچنین، تدوین قوانین استثنایی که به قوه اجرائیه چنین اجازه‌ای را بدهد، نیز جایز نمی‌باشد.

ماده بیست‌ویکم

گروگانگیری به هر شکل و به خاطر هر هدفی، ممنوع است.

ماده بیست‌ودوم

الف) هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد آزادانه بیان دارد.

ب) هر انسانی حق دارد برای خیر و نهی از منکر بر طبق ضوابط شریعت اسلامی دعوت کند.

ج) تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوء استفاده و سوء استعمال آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیا یا به کارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزش‌ها یا متشتت شدن جامعه یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است.

د) برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست.

ماده بیست‌وسوم

الف) ولایت، امانتی است که استبداد یا سوء استفاده از آن شدیداً ممنوع است، زیرا حقوق اساسی از این راه تضمین می‌شود.

متن اصلی اعلامیه حقوق بشر اسلامی

THE CAIRO DECLARATION ON HUMAN RIGHTS IN ISLAM

The Nineteenth Islamic Conference of Foreign Ministers (Session of Peace, Interdependence and Development), held in Cairo, Arab Republic of Egypt, from 9-14 Muharram 1411H (31 July to 5 August 1990),

Keenly aware of the place of mankind in Islam as vicegerent of Allah on Earth;

Recognizing the importance of issuing a Document on Human Rights in Islam that will serve as a guide for Member States in all aspects of life;

Having examined the stages through which the preparation of this draft Document has, so far, passed and the relevant report of the Secretary General;

Having examined the Report of the Meeting of the Committee of Legal Experts held in Tehran from 26 to 28 December, 1989;

1- Agrees to issue the Cairo Declaration on Human Rights in Islam which will serve as a general guidance for Member States in the field of human rights.

ANNEX TO RES. NO. 49/19-P



ب) هر انسانی حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم شرکت نماید. همچنین او می‌تواند پست‌های عمومی را بر طبق احکام شریعت متصدی شود.

ماده بیست و چهارم

کلیه حقوق و آزادی‌های مذکور در این سند، مشروط به مطابقت با احکام شریعت اسلامی است.

ماده بیست و پنجم

شریعت اسلامی تنها مرجع برای تفسیر یا توضیح هر ماده از مواد این اعلامیه است.

neglect or violation an abominable sin, and accordingly every person is individually responsible - and the Ummah collectively responsible - for their safeguard.

Proceeding from the above-mentioned principles,

Declare the following:

ARTICLE I:

(a) All human beings form one family whose members are united by submission to God and descent from Adam. All men are equal in terms of basic human dignity and basic obligations and responsibilities, without any discrimination on the grounds of race, color, language, sex, religious belief, political affiliation, social status or other considerations. True faith is the guarantee for enhancing such dignity along the path to human perfection.

(b) All human beings are God's subjects, and the most loved by Him are those who are most useful to the rest of His subjects, and no one has superiority over another except on the basis of piety and good deeds.

ARTICLE 2:

(a) Life is a God-given gift and the right to life is guaranteed to every human being. It is the duty of individuals, societies and states to protect this right from any violation, and it is prohibited to take away life except for a Shari'ah prescribed reason.

(b) It is forbidden to resort to such means as may result in the genocidal annihilation of mankind.

(c) The preservation of human life throughout the term of time willed



THE CAIRO DECLARATION ON HUMAN RIGHTS IN ISLAM

The Member States of the Organization of the Islamic Conference,

Reaffirming the civilizing and historical role of the Islamic Ummah which God made the best nation that has given mankind a universal and well-balanced civilization in which harmony is established between this life and the hereafter and knowledge is combined with faith; and the role that this Ummah should play to guide a humanity confused by competing trends and ideologies and to provide solutions to the chronic problems of this materialistic civilization.

Wishing to contribute to the efforts of mankind to assert human rights, to protect man from exploitation and persecution, and to affirm his freedom and right to a dignified life in accordance with the Islamic Shari'ah

Convinced that mankind which has reached an advanced stage in materialistic science is still, and shall remain, in dire need of faith to support its civilization and of a self motivating force to guard its rights;

Believing that fundamental rights and universal freedoms in Islam are an integral part of the Islamic religion and that no one as a matter of principle has the right to suspend them in whole or in part or violate or ignore them in as much as they are binding divine commandments, which are contained in the Revealed Books of God and were sent through the last of His Prophets to complete the preceding divine messages thereby making their observance an act of worship and their

and welfare.

ARTICLE 6:

(a) Woman is equal to man in human dignity, and has rights to enjoy as well as duties to perform; she has her own civil entity and financial independence, and the right to retain her name and lineage.

(b) The husband is responsible for the support and welfare of the family.

ARTICLE 7:

(a) As of the moment of birth, every child has rights due from the parents, society and the state to be accorded proper nursing, education and material, hygienic and moral care. Both the fetus and the mother must be protected and accorded special care.

(b) Parents and those in such like capacity have the right to choose the type of education they desire for their children, provided they take into consideration the interest and future of the children in accordance with ethical values and the principles of the Shari'ah

(c) Both parents are entitled to certain rights from their children, and relatives are entitled to rights from their kin, in accordance with the tenets of the Shari'ah.

ARTICLE 8:

Every human being has the right to enjoy his legal capacity in terms of both obligation and commitment, should this capacity be lost or impaired, he shall be represented by his guardian.

ARTICLE 9:

(a) The question for knowledge is an obligation and the provision of



by God is a duty prescribed by Shari'ah

(d) Safety from bodily harm is a guaranteed right. It is the duty of the state to safeguard it, and it is prohibited to breach it without a Sharia-prescribed reason.

ARTICLE 3:

(a) In the event of the use of force and in case of armed conflict, it is not permissible to kill non-belligerents such as old man, women and children. The wounded and the sick shall have the right to medical treatment; and prisoners of war shall have the right to be fed, sheltered and clothed. It is prohibited to mutilate dead bodies. It is a duty to exchange prisoners of war and to arrange visits or reunions of the families separated by the circumstances of war.

(b) It is prohibited to fell trees, to damage crops or livestock, and to destroy the enemy's civilian buildings and installations by shelling, blasting or any other means.

ARTICLE 4:

Every human being is entitled to inviolability and the protection of his good name and honor during his life and after his death. The state and society shall protect his remains and burial place.

ARTICLE 5:

(a) The family is the foundation of society, and marriage is the basis of its formation. Men and women have the right to marriage, and no restrictions stemming from race, color or nationality shall prevent them from enjoying this right.

(b) Society and the State shall remove all obstacles to marriage and shall facilitate marital procedure. They shall ensure family protection

ARTICLE 12:

Every man shall have the right, within the framework of Shari'ah, to free movement and to select his place of residence whether inside or outside his country and if persecuted, is entitled to seek asylum in another country. The country of refuge shall ensure his protection until he reaches safety, unless asylum is motivated by an act which Shari'ah regards as a crime.

ARTICLE 13:

Work is a right guaranteed by the State and Society for each person able to work. Everyone shall be free to choose the work that suits him best and which serves his interests and those of society. The employee shall have the right to safety and security as well as to all other social guarantees. He may neither be assigned work beyond his capacity nor be subjected to compulsion or exploited or harmed in any way. He shall be entitled - without any discrimination between males and females - to fair wages for his work without delay, as well as to the holidays allowances and promotions which he deserves. For his part, he shall be required to be dedicated and meticulous in his work. Should workers and employers disagree on any matter, the State shall intervene to settle the dispute and have the grievances redressed, the rights confirmed and justice enforced without bias.

ARTICLE 14:

Everyone shall have the right to legitimate gains without monopolization, deceit or harm to oneself or to others. Usury (riba) is absolutely prohibited.



education is a duty for society and the State. The State shall ensure the availability of ways and means to acquire education and shall guarantee educational diversity in the interest of society so as to enable man to be acquainted with the religion of Islam and the facts of the Universe for the benefit of mankind.

(b) Every human being has the right to receive both religious and worldly education from the various institutions of, education and guidance, including the family, the school, the university, the media, etc., and in such an integrated and balanced manner as to develop his personality, strengthen his faith in God and promote his respect for and defense of both rights and obligations.

ARTICLE 10:

Islam is the religion of unspoiled nature. It is prohibited to exercise any form of compulsion on man or to exploit his poverty or ignorance in order to convert him to another religion or to atheism.

ARTICLE 11:

(a) Human beings are born free, and no one has the right to enslave, humiliate, oppress or exploit them, and there can be no subjugation but to God the Most-High.

(b) Colonialism of all types being one of the most evil forms of enslavement is totally prohibited. Peoples suffering from colonialism have the full right to freedom and self-determination. It is the duty of all States and peoples to support the struggle of colonized peoples for the liquidation of all forms of colonialism and occupation, and all States and peoples have the right to preserve their independent identity and exercise control over their wealth and natural resources.

ARTICLE 18:

(a) Everyone shall have the right to live in security for himself, his religion, his dependents, his honor and his property.

(b) Everyone shall have the right to privacy in the conduct of his private affairs, in his home, among his family, with regard to his property and his relationships. It is not permitted to spy on him, to place him under surveillance or to besmirch his good name. The State shall protect him from arbitrary interference.

(c) A private residence is inviolable in all cases. It will not be entered without permission from its inhabitants or in any unlawful manner, nor shall it be demolished or confiscated and its dwellers evicted.

ARTICLE 19:

(a) All individuals are equal before the law, without distinction between the ruler and the ruled.

(b) The right to resort to justice is guaranteed to everyone.

(c) Liability is in essence personal.

(d) There shall be no crime or punishment except as provided for in the Shari'ah

(e) A defendant is innocent until his guilt is proven in a fair trial in which he shall be given all the guarantees of defence.

ARTICLE 20:

It is not permitted without legitimate reason to arrest an individual, or restrict his freedom, to exile or to punish him. It is not permitted to subject him to physical or psychological torture or to any form of humiliation, cruelty or indignity. Nor is it permitted to subject an individual to medical or scientific experimentation without his consent or at the risk of his health or of his life. Nor is it permitted to



ARTICLE 15

(a) Everyone shall have the right to own property acquired in a legitimate way, and shall be entitled to the rights of ownership, without prejudice to oneself, others or to society in general. Expropriation is not permissible except for the requirements of public interest and upon payment of immediate and fair compensation.

(b) Confiscation and seizure of property is prohibited except for a necessity dictated by law.

ARTICLE 16:

Everyone shall have the right to enjoy the fruits of his scientific, literary, artistic or technical production and the right to protect the moral and material interests stemming therefrom, provided that such production is not contrary to the principles of Shari'ah.

ARTICLE 17:

(a) Everyone shall have the right to live in a clean environment, away from vice and moral corruption, an environment that would foster his self-development and it is incumbent upon the State and society in general to afford that right.

(b) Everyone shall have the right to medical and social care, and to all public amenities provided by society and the State within the limits of their available resources.

(c) The State shall ensure the right of the individual to a decent living which will enable him to meet all his requirements and those of his dependents, including food, clothing, housing, education, medical care and all other basic needs.

ARTICLE 24:

All the rights and freedoms stipulated in this Declaration are subject to the Islamic Shari'ah.

ARTICLE 25:

The Islamic Shari'ah is the only source of reference for the explanation or clarification of any of the articles of this Declaration.



promulgate emergency laws that would provide executive authority for such actions.

ARTICLE 21:

Taking hostages under any form or for any purpose is expressly forbidden.

ARTICLE 22:

(a) Everyone shall have the right to express his opinion freely in such manner as would not be contrary to the principles of the Shari'ah.

(b) Everyone shall have the right to advocate what is right, and propagate what is good, and warn against what is wrong and evil according to the norms of Islamic Shari'ah

(c) Information is a vital necessity to society. It may not be exploited or misused in such a way as may violate sanctities and the dignity of Prophets, undermine moral and ethical values or disintegrate, corrupt or harm society or weaken its faith.

(d) It is not permitted to arouse nationalistic or doctrinal hatred or to do anything that may be an incitement to any form or racial discrimination.

ARTICLE 23:

(a) Authority is a trust; and abuse or malicious exploitation thereof is absolutely prohibited, so that fundamental human rights may be guaranteed.

(b) Everyone shall have the right to participate, directly or indirectly in the administration of his country's public affairs. He shall also have the right to assume public office in accordance with the provisions of Shari'ah.



عنوان گزارش: مقایسه اعلامیه حقوق بشر اسلامی و اعلامیه حقوق بشر غرب (از منظر پدر حقوق بشر اسلامی علامه آیت‌الله محمد تقی جعفری (ره)) (به ضمیمه متن اصلی اعلامیه حقوق بشر اسلامی و ترجمه آن)

نام دفتر: مطالعات حقوقی (گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی)

تهیه و تدوین: حجت‌الاسلام والمسلمین رضا زهروی

ناظر علمی: حجت‌الاسلام والمسلمین جلیل محبی

مقتضی: زهره الهیان (نماینده تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر)

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. حقوق بشر

۲. حقوق بشر اسلامی

۳. مقایسه اعلامیه حقوق بشر اسلامی و اعلامیه حقوق بشر غرب

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۵/۳

۱. علامه جعفری، محمدتقی. مقایسه اعلامیه حقوق بشر اسلام و غرب، نشر کرامت.
۲. بیانیه قاهره درخصوص حقوق بشر در اسلام (مصوب نوزدهمین نشست وزرای خارجه کنفرانس اسلامی) و قطعنامه شماره ۱۹۹۰-۱۹/۴۹-۱۹۹۰ (p).
۳. بیانیه حقوق و مراقبت از کودک در اسلام (مصوب هفتمین کنفرانس سران اسلامی به موجب قطعنامه شماره ۱۹۹۴-۷/۱۶-۱۹۹۴). (c).
۴. کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۹.
۵. ممدوحی، فرزاد. سازمان کنفرانس اسلامی
۶. علامه جعفری، محمدتقی. حقوق حیوانات در اسلام.
۷. منشور سازمان کنفرانس اسلامی OIC.
۸. بیانیه داکا درخصوص حقوق بشر در اسلام (مصوب چهاردهمین نشست وزرای خارجه کنفرانس اسلامی در دسامبر ۱۹۸۳).
۹. آیت‌الله جوادی آملی. فلسفه حقوق بشر (سلسله بحث‌های فلسفه دین)، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۳.
10. The Nineteenth Islamic Conference of Foreign Ministers (Session of Peace, Interdependence and Development), held in Cairo, Arab Republic of Egypt, from 9-14 Muharram 1411H, 31 July to 5 August 1990.
11. Rome Statute of the International Criminal Court, Text of the Rome Statute circulated as document A/CONF.183/9 of 17 July.
12. Covenant on the Rights of the Child in Islam., OICI9-IGGEIHRU2004IRep.